

## رابطه اخلاق پژوهشی با تسهیم دانش در میان مربیان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان تهران

سیده نسرین سجادیان

کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشکده روانشناسی و علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه‌ی بین اخلاق پژوهشی با تسهیم دانش در میان مربیان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان تهران صورت گرفت. روش مورد استفاده در این پژوهش بر حسب هدف کاربردی و از لحاظ گردآوری داده‌ها توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه‌ی مربیان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان تهران که در سال ۹۶-۱۳۹۵ مشغول به فعالیت می‌باشند، بود که از میان آنان با استفاده از جدول مورگان و روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای تعداد ۱۵۲ نفر به عنوان حجم نمونه در نظر گرفته شد. روش گردآوری داده‌ها براساس دو پرسشنامه استاندارد اخلاق پژوهشی کینگ و متیو (۲۰۰۲) و تسهیم دانش لی (۲۰۰۱) استفاده شد. در این پژوهش به منظور سنجش پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار این ضریب برای هر دو پرسشنامه بالای ۰.۷ به دست آمد و همین‌طور به منظور سنجش روایی از روایی محتوایی استفاده شد که برای این منظور روایی مورد تایید متخصصین قرار گرفت. تجزیه و تحلیل اطلاعات بدست آمده از اجرای پرسشنامه‌ها از طریق نرم‌افزار SPSS21 در دو بخش توصیفی و استنباطی (آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره) انجام پذیرفت. یافته‌های پژوهش حاکی از آن بود که میان اخلاق پژوهشی و ابعاد آن (احترام به حقوق صاحب اثر پژوهشی، عدم ضرر رسانی به صاحبان اثر، رعایت عدالت در پژوهش) با تسهیم دانش در میان مربیان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان تهران رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

**واژه‌های کلیدی:** اخلاق پژوهشی، رعایت عدالت در پژوهش، تسهیم دانش، مربیان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

## مقدمه

لازمه‌ی توسعه و رشد هر جامعه داشتن نظام‌های آموزشی کارا و اثربخش است. جامعه را اگر به‌عنوان یک سیستم کلی در نظر بگیریم، خرده سیستم‌هایی درون خود دارد که وظایفی بر عهده دارند و در کنار هم فعالیت می‌کنند و همگام با هم در جهت تحقق اهداف سیستم بزرگتر گام بر می‌دارند. شرط هماهنگ عمل کردن این سیستم‌ها، برخورداری آنها از آموزش یکپارچه و کارآمد است (آنترهالتر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۵). بنابراین، سازمان‌ها و موسسات آموزشی همچون کانون‌های پرورش فکری نقش مهمی در پیشرفت جوامع ایفا می‌کنند و بدون شک، مریبان کانون رکن اساسی در نظام‌های آموزشی هستند که عملکرد این نظام‌ها با عملکرد آنها پیوسته و ناگسستنی است. هم‌چنین، رقابت شدید سازمان‌ها در عرصه‌های ملی، بین‌المللی و جهانی، سازمان‌ها را بر آن داشته تا علاوه بر دارایی‌های ملموس، توجه ویژه‌ای به دارایی‌های ناملموس خود نیز داشته باشند. از این رو رویکردهای نوینی در حوزه‌ی مدیریت استراتژیک سازمان‌ها به وجود آمده که یکی از این تحولات و نگرش‌های نوین، توجه به مدیریت دانش و چگونگی تسهیم آن در سازمان می‌باشد (مارتینسونز، دیویسون و هانگ<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷). مدیریت اثربخش دانش، منبعی ارزشمند از مزیت رقابتی برای سازمان‌ها به شمار می‌رود. از آن جا که دانش در سازمان به خودی خود دارای ارزش نیست و باید توسط افراد به کار گرفته شود، توجه به افرادی که دانش را بکار می‌برند و نیز دانش تولید می‌کنند الزامی است. از این رو تسهیم دانش به عنوان یکی از زیر فرآیندهای مدیریت دانش، جهت به جریان در آوردن دانش و رساندن آن به جای اصلی خود، اهمیت ویژه‌ای خواهد داشت (ریتالا و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۵).

تسهیم دانش عبارت است از فعالیت انتقال و توزیع دانش (آشکار و پنهان) از یک شخص، گروه یا سازمان به شخص، گروه یا سازمان دیگر. از طریق تسهیم دانش اثربخش، سازمان‌ها می‌توانند کارایی خود را بهبود بخشیده و هزینه‌های آموزشی و مخاطره‌های ناشی از عدم اطمینان را کاهش دهند. هم‌چنین، تسهیم دانش عبارت است از اشتراک اطلاعات مناسب، فکرها، پیشنهادها و تخصص‌ها با دیگران در یک سازمان. تسهیم دانش مجموعه‌ای از رفتارهاست که مستلزم مبادله‌ی اطلاعات یا کمک به دیگران است (فاتح و همکاران<sup>۴</sup>، ۱۳۸۷؛ به نقل از صیف، ۱۳۹۴).

آنچه در تمامی تعاریف تسهیم دانش جلب نظر می‌کند، تاکید بر ارتباط و مشارکت افراد در تسهیم دانش می‌باشد. همان‌گونه که اشاره شد مدیریت دانش به دو دیدگاه کلی، طبقه‌بندی شد یعنی دیدگاه فنی و دیدگاه انسانی. بر مبنای تعاریف تسهیم دانش توسط پژوهشگران، ارتباط و مشارکت افراد امری بسیار حیاتی در پیاده‌سازی تسهیم دانش می‌باشد. لذا دیدگاه‌های ذکر شده می‌توانند به صورت مکمل یا هرکدام به صورت جداگانه برای تسهیم دانش به کار گرفته شوند. دیدگاه فنی بر استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی برای تسهیم دانش تاکید داشته و دیدگاه انسانی بر تعاملات انسانی تاکید دارد (ون و کوآنگ<sup>۵</sup>، ۲۰۱۶). زهرا<sup>۶</sup> و همکاران (۲۰۰۷)، دو بینش کلیدی را در مدیریت دانش برای چگونگی تسهیم دانش پیشنهاد می‌کنند: نگرش اول، که تسهیم دانش رسمی نامیده می‌شود، دانش به عنوان محصولی قابل جمع‌آوری، قابل ذخیره و قابل بازیابی می‌شود. بنابراین دانش سازمانی به طور عادی می‌تواند بسته‌بندی شده و با تسهیم رسمی و ساختارمند انتقال یابد. نگرش دوم، تسهیم دانش غیررسمی نامیده می‌شود که دانش ضمنی است و به صورت جمعی توسط افراد در سرتاسر سازمان ایجاد شده است و تسهیم دانش ضمنی که ساختار نیافته می‌باشد به صورت چهره به چهره و از طریق تبادلات شخصی صورت می‌گیرد. بنابراین، بر مبنای طبقه‌بندی تسهیم دانش توسط زهرا و همکاران (۲۰۰۷)، می‌توان گفت که نگرش مربوط به تسهیم دانش رسمی، بر دانش صریح<sup>۷</sup> تمرکز دارد و نگرش مربوط به تسهیم دانش غیررسمی، بر دانش ضمنی<sup>۸</sup> تمرکز دارد. آکرمن<sup>۸</sup> و

<sup>۱</sup> Unterhalter

<sup>۲</sup> Martinsons., Davison & Huang

<sup>۳</sup> Ritala et al.

<sup>۴</sup> Wen & Qiang

<sup>۵</sup> Zahra

<sup>۶</sup> Explicit Knowledge

<sup>۷</sup> Tacit Knowledge

<sup>۸</sup> Ackerman

همکاران (۱۹۹۹)؛ به نقل از هانگ<sup>۱</sup> و همکاران، (۲۰۱۱)، سه نوع تسهیم دانش را در سازمان بررسی کردند: بازیابی دانش<sup>۲</sup>، تبادل تبادل دانش<sup>۳</sup> و ایجاد دانش<sup>۴</sup>. این پژوهشگران بازیابی دانش را ابزاری برای بازیابی دانش موجود سازمان می‌دانند که ویژگی اصلی آن تسهیم دانش بین فرد و سازمان است و تبادل دانش را تسهیم دانش بین افراد برای تبادل دانش شخصی موجود بیان می‌کنند و در آخر ایجاد دانش را تسهیم دانش بین افراد به منظور تولید دانش جدید، که نتیجه این نوع از تسهیم دانش ترکیب جدیدی از افراد موجود و دانش سازمانی تسهیم شده است، می‌دانند. در همین راستا سیف و همکاران (۱۳۹۴)، طی پژوهشی با عنوان «عوامل موثر بر تمایل به تسهیم دانش در بین اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی شیراز» دریافتند که در تمایل به تسهیم دانش متغیرهای بسیاری تاثیر گذارند که از میان متغیرهای پژوهش به ترتیب متغیرهای کنترل رفتاری ادراک شده، نگرش به تسهیم دانش و هنجار ذهنی بالاترین تا پایین‌ترین ضریب همبستگی را با قصد تسهیم دانش داشتند. هم‌چنین ریتالا و همکاران (۲۰۱۵)، طی پژوهشی تحت عنوان «اشتراک دانش، تسهیم دانش و رابطه آن با عملکرد نوآورانه» دریافتند که اشتراک‌گذاری دانش خارجی تاثیر مثبتی بر کارایی نوآوری دارد اما سطح بالای تسهیم دانش تصادفی و عمدی توسط درآمد یک شرکت به صورت منطقی این رابطه را متعادل می‌سازد. این نتایج برای فهم مسائل بالقوه مثبت و منفی وابسته به اشتراک‌گذاری دانش خارجی و تسهیم دانش که به صورت تجربی تحت تاثیر پژوهش مانده است همکاری می‌کند.

از طرفی، اخلاقیات در کل، حوزه‌های مورد علاقه در مطالعات آموزشی به حساب می‌آیند؛ زیرا به توانایی تشخیص درست از نادرست می‌پردازند (ساربو، دیمیترسکو و لاکرویکس<sup>۵</sup>، ۲۰۱۵). به عبارت دیگر، نقش اعتقادات محکم اخلاقی در تصمیمات افراد، تا بدان‌جاست که بسیاری از تصمیمات را تحت تأثیر قرار داده و منشأ پیروزی و شکست افراد و سازمان‌ها را می‌توان در آن جستجو کرد (تنر و کریستن<sup>۶</sup>، ۲۰۱۴). افرادی که دارای اخلاقیات غنی بوده و از باورهای اخلاقی محکم و قوی برخوردار باشند و توانایی اجرای آنها را نیز داشته باشند می‌توانند به شیوه‌ای صحیح و عاقلانه و مطابق با معیارهای اخلاقی رفتار کنند (امامی و همکاران، ۱۳۹۳). اخلاق پژوهشی، یکی از جدیدترین و پرمناقشه‌ترین شاخه‌های اخلاق کاربردی می‌باشد (توروگود و نوپرز<sup>۷</sup>، ۲۰۱۷) و مطابق با تعریف بناتار و سینگر<sup>۸</sup> (۲۰۰۰)، به معنای بررسی امکان و شرایط رعایت قواعد و اصول اخلاقی در پژوهش‌های نظری و عملی است. اخلاق در پژوهش‌های نظری، معنایی بیش از رعایت قواعد منطق و استنتاج صحیح دارد. در واقع این نکته، بیش از آن که جنبه اخلاقی داشته باشد، جنبه معرفت‌شناختی دارد (صدوقی، ۱۳۹۰).

بهمن‌آبادی و همکاران (۱۳۹۳)، با جمع‌بندی تعاریف اخلاق پژوهشی، تعریف واحدی ارائه کردند که عبارت است از: «مجموعه ویژگی‌های شخصیتی و حرفه‌ای پژوهشگر که مانع از ارتکاب خطا و سوگیری در طی انجام فرایند پژوهش شده و برخورداری از این ویژگی‌ها می‌تواند پژوهشگر را در تمامی مراحل پژوهش از تصمیم‌گیری برای طرح موضوع پژوهش تا مرحله تدوین گزارش و انتشار نتایج، در مسیر صحیحی هدایت کند». تعاریفی مختصر از ابعاد اخلاق پژوهشی عبارتند از: ۱. احترام به حقوق صاحب اثر پژوهشی: مقصود رعایت قوانین مربوط به استفاده از مطالب پژوهشی محققان دیگر از سوی کسانی است که قصد استفاده از این مطالب را در کار خود دارند و از طرق مختلف مانند اشاره‌ی درست به منابع، باید به این حقوق احترام گذارند (افتخار افضلی، ۱۳۸۴). ۲. عدم ضرر رسانی به صاحبان اثر: مقصود اعمالی است که نویسندگان باید در کارهای پژوهشی خود انجام داده تا از این طریق، به پژوهش‌هایی که از آنها استفاده می‌نمایند، آسیب نرسانند (آراسته و حسینعلی، ۱۳۹۰). ۳. رعایت عدالت در پژوهش: به اعمالی اشاره می‌شود که محققین در حین پژوهش آنها را رعایت می‌نمایند تا در انتقال مفاهیم به مخاطبین، اشکالی پیش نیاید (افتخار افضلی، ۱۳۸۴). در این خصوص مهارتی و همکاران (۱۳۹۳)، طی پژوهشی تحت عنوان «بررسی اخلاق در فرایند پژوهش علمی» دریافتند که در تمامی پژوهش‌های علمی، رعایت فرایند علمی پژوهش، امری ضروری و

<sup>1</sup>. Hong

<sup>2</sup>. Knowledge retrieval

<sup>3</sup>. Knowledge exchange

<sup>4</sup>. knowledge creation

<sup>5</sup> Sârbu., Dimitrescu & Lacroix

<sup>6</sup> Tanner & Christen

<sup>7</sup> Thorogood & Knoppers

<sup>8</sup> Benatar & Singer

غیرقابل انکار می‌باشد که بایستی توسط همه پژوهشگران مورد توجه قرار گیرد. مطابق با یافته‌های پژوهش آنها، نقش تحقیق و پژوهش درست، در بالا بردن همه جانبه جایگاه علمی جامعه بدیهی بوده و رعایت شرایط اجرای پژوهش خوب بر عهده محققان و پژوهشگران می‌باشد. پژوهشگران باید در رابطه با فعالیت‌های پژوهشی خود در برابر خداوند سبحان، خود، دانشگاه، پژوهشگاه یا محل انجام پژوهش، همکاران، دانشجویان و جامعه علمی پاسخگو باشند. در این راستا، ضمن آگاهی و رعایت اصول علمی حاکم بر فرایند پژوهش، بایستی مطابق با مبانی اخلاق پژوهشی عمل کرده و در راه تعمیق و گسترش این اصول و مبانی کوشا باشند. آشنایی با وظایف اخلاقی در پژوهش و همچنین سوء رفتارهای احتمالی در هر مرحله از فرایند پژوهش نخستین گام موثر در راه افزایش اخلاق مداری در پژوهش‌های علمی می‌باشد. همچنین قاسم‌زاده و همکاران (۱۳۹۲)، طی پژوهشی تحت عنوان «میزان رعایت موازین اخلاق در پژوهش در طرحنامه‌های تحقیقاتی» دریافتند که به طور کلی در ۲۷۷ طرح (۸۵/۵ درصد) و در ۹۶/۶ درصد کارآزمایی‌های بالینی، بخش ملاحظات اخلاقی در طرحنامه‌ها مورد توجه قرار گرفته و تکمیل شده بود. آزمودنی‌ها در ۶۸/۴ درصد موارد از شرکت در مطالعه آگاه می‌شدند و در ۶۶/۸ درصد موارد کسب رضایت آگاهانه پیش‌بینی شده بود که ۵۰/۹ درصد آن کتبی بود. اخذ رضایت آگاهانه در میان کارآزمایی‌های بالینی ۸۰ درصد بود که ۸۵/۵ درصد آن‌ها به صورت کتبی بودند. از بین ۶۰ کارآزمایی بالینی، ۳۸ طرح (۶۳/۳ درصد) به کمیته‌ی اخلاق در پژوهش ارجاع و تاییدیه‌ی کمیته‌ی اخلاق داشتند. رعایت اصول اخلاق در پژوهش در این مطالعه نسبت به مطالعات مشابه پیشین مورد توجه و دقت بیشتری قرار گرفته است که به نظر می‌رسد این امر ناشی از تاسیس و فعالیت کمیته‌های منطقه‌ای اخلاق از سال ۸۲ به بعد باشد. اما برای نزدیک کردن این نتایج به استانداردهای موجود، برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای پژوهشگران و نظارت دقیق‌تر کمیته‌های اخلاق به ویژه در کارآزمایی‌های بالینی و مطالعات حیوانی سودمند خواهد بود.

در نهایت، نیاز و دغدغه‌ی اصلی در پژوهش حاضر، تسهیم دانش در میان مربیان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان می‌باشد. مربیان یکی از مسئولان ایجاد روابط و محیط سالم برای آموزش و یادگیری هستند؛ آنها باید بتوانند در محیط کانون به اقتضای موقعیت، اصول، یافته‌های علمی و مهارت‌های فنی را هنرمندانه و با رعایت موازین اخلاقی به کار بندند و بتوانند مشکلات را از طریق تسهیم دانش، حل کنند و اهداف را محقق سازند. همچنین اخلاق، مرکزیت هرگونه رهبری به شمار می‌رود و به مربیان کمک می‌کند تا ارزش‌ها را خلق و نهادینه کنند. با توجه به این که هر مربی، دارای یک فلسفه مشخص و دیدگاه است، همه آنها دارای یک برنامه، یک سلسله باورها و اعتقادات، پیشنهادات، ارزش‌ها، و موضوعاتی هستند که آرزو می‌کنند آن‌ها را پیاده سازند. شیوه رفتار آنها می‌تواند بر ادراکات، انتظارات، نگرش‌ها، رفتار و انگیزش در سیستم‌های آموزشی تاثیر بگذارد و به تبع آن بازده و اثربخشی آن را متاثر سازد. از طرفی آن چه که در تعامل بین مربیان در جریان است، به طور مستقیم و غیرمستقیم بر فراگیران تاثیر می‌گذارد و در نهایت اسباب رشد و توسعه‌ی جامعه یا عقب‌ماندگی آن را فراهم می‌سازد (شوقی، فراهانی و سارجالویی، ۱۳۹۲). در این راستا مصباحی و عباس‌زاده (۱۳۹۲)، طی پژوهشی تحت عنوان «ارائه‌ی یک الگوی سیستمی اخلاق حرفه‌ای در آموزش عالی» دریافتند پنج درون مایه اصلی در اخلاق پژوهشی شناسایی شد که شامل موارد زیر می‌باشد:

۱- عوامل اخلاق فردی (استانداردهای اخلاق فردی، اعتقاد قلبی، خودکنترلی و وجدان)؛ ۲- عوامل مدیریتی (نقش الگویی مدیران، رفتار خیرخواهانه و مشارکت در تصمیم‌گیری)؛ ۳- عوامل سازمانی (گزینش و بکارگیری، برنامه‌های راهبردی اخلاق و فرهنگ سازمانی)؛ ۴- عوامل اخلاق شغلی (اخلاق آموزشی، اخلاق پژوهشی و اخلاق ارتباطی)؛ ۵- عوامل فرا سازمانی (فرهنگ، شرایط سیاسی، اعتماد عمومی و شرایط اقتصادی) و ۱۷ درون مایه فرعی بود. علاوه بر این، نتایج این پژوهش نشان داد که مشارکت کنندگان تاکید زیادی بر درون مایه‌های فردی مانند وجدان کاری و نظارت الهی داشتند. همچنین مشخص شد توجه به عوامل راهبردی، نهادینه‌سازی و اعتماد عمومی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

در این صورت، یکی از عمده‌ترین دغدغه‌های مربیان، چگونگی ایجاد و حفظ سلامت اخلاقی‌شان می‌باشد تا به مدد آن اثربخشی خود و سازمان‌شان را به اثبات رسانده و با حس مسئولیت و تعهد کامل نسبت به جامعه و حرفه خود فعالیت کنند. مربیان با اتکا به سیستمی از ارزش‌ها و بایدها و نبایدها که اخلاق نامیده می‌شود قادرند تا تصمیم بگیرند که چه چیزی خوب و

چه چیزی بد است و آیا به راه راست می‌روند یا مسیر نادرستی را در پیش گرفته‌اند (کیم<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳). بعد مهم اخلاقی که مربیان را با چالش روبرو می‌سازد، اخلاق پژوهشی آنان است که نادیده گرفتن آن پیامدهای نامطلوبی برای هر دوی مربی و فراگیر به همراه خواهد داشت. از سوی دیگر، با توجه به نقش مهم مربیان در خلق و اشاعه‌ی دانش، تسهیم دانش میان آنها نیز از چالشی‌ترین موضوعات پیرامون آنها به شمار می‌رود. تسهیم دانش در خلق و تبدیل دانش توسط مربیان ضروری بوده و از تسهیم دانش به عنوان ابزاری اساسی برای فرآیندهای ایجاد و بکارگیری دانش یاد شده است. تعامل مناسب و مشارکت میان مربیان، اساس اجرای موفق تسهیم دانش در کانون و مراکز آموزشی می‌باشد. با توجه به حضور مربیان با زمینه‌ها و مهارت‌های متفاوت، ایجاد این تعامل و مشارکت در میان آنها، برای تسهیم دانش ضروری به نظر می‌رسد (باراچینی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹).

بنابراین مسائلی نظیر اخلاق پژوهشی و تسهیم دانش باید مورد توجه بیشتر قرار گیرد. اگر مربیان کانون از اهمیت امور اخلاقی خود غافل باشند و حاصل این غفلت باعث وقفه در فرآیند یاددهی و یادگیری شود، زیان آن متوجه جامعه خواهد شد و در افت و انحطاط پیشرفت کشور سهم مؤثری خواهند داشت (شوقی و همکاران، ۱۳۹۲). با توجه به آنچه گذشت و در نظر گرفتن این موضوع که اخلاق مهم‌ترین عامل در تداوم حیات و استمرار موفقیت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و مراکز آموزشی دیگر است، این پژوهش بر آن است تا با توجه به اهمیت موضوع اخلاق پژوهشی مربیان و تأثیر آن بر تسهیم دانش و کمبود پژوهش و مطالعه در این زمینه به بررسی رابطه میان این مفاهیم بپردازد. بنابراین، با توجه به مسائل و مشکلات مطرح شده، این پژوهش قصد آن را دارد که به این سوال اساسی پاسخ دهد: آیا با بهبود وضعیت اخلاق پژوهشی مربیان، تسهیم دانش میان آنها بهبود می‌یابد؟

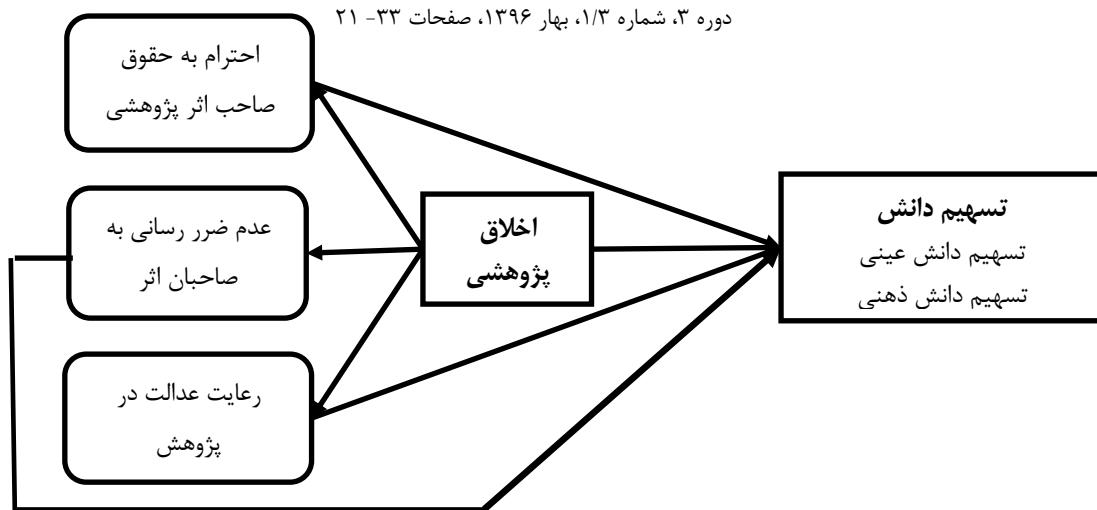
با توجه به این سوال و با استفاده از پژوهش‌های صورت گرفته، فرضیه‌ها و مدل پژوهش به قرار زیر است:  
فرضیه اصلی: بین اخلاق پژوهشی با تسهیم دانش در میان مربیان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان تهران رابطه وجود دارد.  
فرضیه‌های فرعی:

۱. بین احترام به حقوق صاحب اثر پژوهشی با تسهیم دانش در میان مربیان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان تهران رابطه وجود دارد.
۲. بین عدم ضرر رسانی به صاحبان اثر با تسهیم دانش در میان مربیان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان تهران رابطه وجود دارد.
۳. بین رعایت عدالت در پژوهش با تسهیم دانش در میان مربیان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان تهران رابطه وجود دارد.

مدل مفهومی نیز در شکل ۱ آورده شده است:

<sup>1</sup> Kim

<sup>2</sup> Barachini



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش (کینگ و متیو)<sup>۱</sup>(۲۰۰۲)؛ لی<sup>۲</sup>(۲۰۰۱)

### روش‌شناسی

روش مورد استفاده در این پژوهش بر حسب هدف کاربردی و از لحاظ گردآوری داده‌ها توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه‌ی مربیان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان تهران که در سال ۹۶-۱۳۹۵ مشغول به فعالیت می‌باشند، بود که از میان آنان با استفاده از جدول مورگان و روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای تعداد ۱۵۲ نفر از مربیان به عنوان حجم نمونه در نظر گرفته شد. روش گردآوری داده‌ها براساس دو پرسشنامه استاندارد اخلاق پژوهشی کینگ و متیو(۲۰۰۲) و تسهیم دانش لی(۲۰۰۱) استفاده شد که در جدول(۱) شاخص‌های آن به نمایش گذاشته شده است. این پرسشنامه شامل دو بخش کلی است: یکی سوالات جمعیت شناختی و دیگری سوالات مربوط به دو متغیر اخلاق پژوهشی و تسهیم دانش. جدول زیر ابعاد و تعداد سوالات متغیرها به همراه منابع آنها و همچنین مقدار ضریب آلفای کرونباخ را نشان می‌دهد که تمامی سوالات از طیف ۵ تایی لیکرت تبعیت نموده که از ۱(کاملاً مخالف) تا ۵(کاملاً موافق) طراحی شده‌اند. روایی محتوا پرسشنامه‌ها به تائید متخصصین مربوطه رسید؛ همچنین به منظور سنجش پایایی پرسشنامه‌ها از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار این ضریب برای هر دو پرسشنامه بالای ۰.۷ بدست آمد و نشان از پایایی ابزار اندازه‌گیری پژوهش می‌باشد. پرسشنامه‌های مذکور در بین گروهی از مربیان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان تهران توزیع گردید و پس از دریافت پرسشنامه‌ها با توجه به آمار توصیفی و استنباطی(آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره) تجزیه و تحلیل صورت گرفت.

<sup>1</sup> King & Mayhew

<sup>2</sup> Lee

جدول ۱: توزیع پرسش‌ها برای هر یک از متغیرهای پژوهش

متغیر	منبع	ابعاد	تعداد سوال	ضریب آلفای کرونباخ
اخلاق پژوهشی	کینگ و متیو (۲۰۰۲)	احترام به حقوق صاحب اثر پژوهشی (۳)، عدم ضرر رسانی به صاحبان اثر (۳)، رعایت عدالت در پژوهش (۳)	۹	۰.۷۲
تسهیم دانش	لی (۲۰۰۱)	تسهیم دانش عینی (۴)، تسهیم دانش ذهنی (۳)	۷	۰.۸۳

## یافته‌ها

برای بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شد که نتایج آن در جدول (۲) آورده شده است.

جدول ۲: آزمون K-S برای متغیرهای پژوهش

متغیرها	آماره آزمون K-S	سطح معناداری
اخلاق پژوهشی	۰.۵۴	۰.۰۶
احترام به حقوق صاحب اثر پژوهشی	۰.۳۶	۰.۱۱
عدم ضرر رسانی به صاحبان اثر	۰.۷۷	۰.۱۹
رعایت عدالت در پژوهش	۰.۶۵	۰.۳۱
تسهیم دانش	۰.۱۱۲	۰.۱۸

مطابق با جدول بالا، به دلیل کمتر شدن سطح معناداری از ۰.۰۵، می‌توان در سطح اطمینان ۹۵٪ بیان داشت که فرض صفر یعنی این که توزیع داده‌های پژوهش نرمال است، پذیرفته می‌شود.

## آزمون فرضیه‌های پژوهش

در این قسمت فرضیه‌های پژوهش با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره محاسبه می‌شود. فرضیه اصلی: بین اخلاق پژوهشی با تسهیم دانش در میان مربیان کانون پرورش کودکان و نوجوانان استان تهران رابطه وجود دارد.

برای این منظور نتایج آزمون رگرسیون چند متغیره در جدول (۳) آورده شده است.

جدول ۳: خلاصه نتایج آزمون رگرسیون چندمتغیره بین اخلاق پژوهشی با تسهیم دانش

مدل	متغیر پیش بین وارد شده در مدل	مقدار t	سطح معناداری	ضریب استاندارد شده بتا	نتیجه آزمون
فرضیه اصلی	اخلاق پژوهشی	۴.۲۳۱	۰.۰۰۱	۰/۳۲۶	تاثیر معنادار است
	احترام به حقوق صاحب اثر پژوهشی	۲.۸۸۵	۰.۰۰۱	۰/۲۸۶	تاثیر معنادار است
	عدم ضرر رسانی به صاحبان اثر	۱.۲۱۳	۰.۰۰۱	۰/۱۳۶	تاثیر معنادار است
	رعایت عدالت در پژوهش	۳.۲۰۶	۰.۰۰۱	۰/۴۲۳	تاثیر معنادار است

متغیر ملاک: تسهیم دانش

مطابق با جدول بالا، از آن جایی که سطح معناداری در آزمون کمتر از میزان خطا (۰.۰۵) شده است در نتیجه در سطح اطمینان ۹۵٪ فرض صفر رد شده و فرض یک تأیید می‌شود. یعنی اخلاق پژوهشی مربیان بر تسهیم دانش آنها تأثیر معناداری دارند. علامت مثبت ضریب رگرسیون در جدول بالا نیز نشان دهنده تأثیر مستقیم بین متغیرها است؛ بدین معنی که در صورت بهبود وضعیت اخلاق پژوهشی مربیان، تسهیم دانش میان آنها نیز بهبود خواهد یافت.

علاوه بر این، خط رگرسیون که از اطلاعات مذکور بدست آمد به شرح زیر می‌باشد:

$$Y = 1.23 + 0.326 X_1 + 0.286 X_2 + 0.136 X_3 + 0.423 X_4$$

در این قسمت فرضیه‌های فرعی پژوهش با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون محاسبه می‌شود. صورت آزمون‌های همبستگی: اخلاق پژوهشی (احترام به حقوق صاحب اثر پژوهشی، عدم ضرر رسانی به صاحبان اثر، رعایت عدالت در پژوهش) با تسهیم دانش در میان مربیان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان تهران رابطه معناداری دارند. برای این منظور نتایج آزمون معنی‌داری ضریب همبستگی پیرسون در جدول (۴) آورده شده است.

**جدول ۴: نتایج آزمون همبستگی میان اخلاق پژوهشی و ابعاد آن با تسهیم دانش**

رابطه همبستگی	سطح معناداری	ضریب همبستگی
اخلاق پژوهشی با تسهیم دانش	۰/۰۰۰	۰/۷۴۷
احترام به حقوق صاحب اثر پژوهشی با تسهیم دانش	۰/۰۰۰	۰/۶۵۴
عدم ضرر رسانی به صاحبان اثر با تسهیم دانش	۰/۰۰۰	۰/۶۰۱
رعایت عدالت در پژوهش با تسهیم دانش	۰/۰۰۰	۰/۵۷۸

مطابق با جدول بالا، از آن جایی که سطح معناداری در تمامی روابط کمتر از میزان خطا (۰/۰۵) شده است در نتیجه در سطح اطمینان ۹۵٪ فرض‌های صفر رد شده و فرض‌های یک تأیید می‌شود. یعنی رابطه اخلاق پژوهشی همراه با ابعاد آن با تسهیم دانش مربیان مورد مطالعه معنی‌دار می‌باشد. علامت مثبت ضرایب همبستگی در جدول بالا نیز نشان‌دهنده رابطه مستقیم بین متغیرها است، بدین معنی که با افزایش یا کاهش یکی، دیگری نیز افزایش یا کاهش می‌یابد. بنابراین، تمامی فرضیه‌های فرعی پژوهش بر اساس نتایج آزمون همبستگی، تأیید می‌شوند.

### بحث و نتیجه‌گیری

تمامی تلاش‌هایی که در روند انجام یک کار پژوهشی صورت می‌گیرد، در واقع برای دستیابی به نتایج مطلوب و پیشنهادهایی برای تحقیق است. چرا که هدف از انجام تحقیق، یافتن راه‌حل برای مشکلاتی است که وجود دارد و دغدغه پژوهشگر بوده و باعث انجام تحقیق شده است. گاهی این مشکلات هر چند در ظاهر کوچک و ناچیز بوده ولی هزینه و انرژی زیادی در جامعه هدر داده و کارایی و اثربخشی را کاهش می‌دهند و مانع رسیدن به نتایج مورد نظر و ارزشمند می‌گردند. از طریق تحقیق می‌توان این مشکلات و راه‌حل‌های رفع آن‌ها را پیش‌بینی و مهیا کرد و اقدامات مناسب را انجام داد تا در نهایت کارایی و نتایج مثبت افزایش یابد.



لذا این پژوهش با توجه به اهمیت موضوع، رابطه بین اخلاق پژوهشی با تسهیم دانش در میان مربیان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان تهران را مورد بررسی قرار داد، که در ادامه براساس فرضیه‌های موجود در پژوهش به بحث و نتیجه‌گیری می‌پردازیم:

یافته‌ی فرضیه اصلی نشان داد که بین اخلاق پژوهشی با تسهیم دانش در میان مربیان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. با بررسی مطالعات پیشین نیز در می‌یابیم که نتایج مذکور در راستای نتایج پژوهش‌های قبلی بوده است. شاپر<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۵)، معتقد بودند که رعایت استانداردهای اخلاق پژوهشی در انجام پژوهش‌های علمی، به عملی ساختن نتایج این پژوهش‌ها کمک می‌نماید. عملی ساختن نتایج، مرحله‌ی بعد از تسهیم دانش در فرآیند مدیریت دانش محسوب می‌گردد و در صورت موفقیت تسهیم دانش است که می‌توان عملی ساختن نتایج پژوهش‌ها را انتظار داشت. همچنین، بهمن‌آبادی و همکاران (۱۳۹۳)، تأکید داشتند که پذیرش پژوهش‌هایی که اصول اخلاقی را رعایت نکرده‌اند، می‌تواند مضرات زیادی برای جامعه به همراه داشته باشد و با توجه به این نکته که در تعداد زیادی از پژوهش‌ها، آزمودنی انسان است و پژوهش‌های این گروه با سرنوشت جوامع پیوند خورده، رعایت اخلاق پژوهشی باعث انتقال صحیح دانش در میان قشار جامعه می‌گردد. لاهمان<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۱)، با تأیید این نتایج، اضافه می‌کنند که رعایت اخلاق پژوهشی باعث افزایش توانایی پژوهشگر در ارائه کار قابل اعتماد شده و وی را در انتقال دانش به دیگران با اعتماد به نفس بیشتری مواجه می‌سازد. علاوه بر محققان مذکور، خنیفر و همکاران (۱۳۹۰)، نیز اشاره می‌کنند که رعایت اصول اخلاقی در فرآیند تحقیق و پژوهش، باعث افزایش انگیزه محقق، و حصول نتایج دقیق‌تر در پژوهش می‌شود. به اعتقاد آنها، رعایت نکاتی مانند حفظ حقوق مؤلف و صاحب اثر در فرآیند پژوهش، پژوهشگر را در فرآیند تولید علم در مسیر صحیح نگاه می‌دارد و از انحراف وی جلوگیری کرده و می‌تواند از این طریق، الگوی بسیاری دیگر از پژوهشگران واقع گردد که با شناسایی و تقلید از وی، به دانش او نیز دست پیدا کرده و از آن استفاده نمایند.

همچنین، یافته‌ی فرضیه‌های فرعی نشان داد که تمامی ابعاد اخلاق پژوهشی با تسهیم دانش مربیان مورد مطالعه رابطه معناداری داشتند. به طوری که ضریب همبستگی رابطه میان احترام به حقوق صاحب اثر با تسهیم دانش ۰.۶۵۴، عدم ضرر رسانی به صاحبان اثر با تسهیم دانش ۰.۶۰۱، و رعایت عدالت در پژوهش با تسهیم دانش ۰.۵۷۸ محاسبه گردید. بنابراین، رابطه ابعاد اخلاق پژوهشی با تسهیم دانش مربیان، مثبت و مستقیم بود. این روابط در پژوهش‌های پیشین نیز به طور غیرمستقیم تأیید شده بود که در ادامه توضیح داده شده است.

لورنس<sup>۳</sup> (۲۰۱۱)، احترام به حقوق صاحبان اثرهای پژوهشی را به عنوان یکی از اصول کلیدی اخلاقی بر رضایت پژوهشگران موثر دانسته و تأکید می‌کند که محققین در صورت اطمینان از امن بودن نتایج پژوهش خود، به تسهیم دانش بیشتری اقدام نموده و بالعکس، اگر فردی با سرقت ادبی از اثر خود مواجه گردد، با احتیاط بیشتری، دست به انتشار نتایج پژوهش‌های آتی خود زده و سعی خواهد نمود تا شفافیت کمتری در تفسیر یافته‌های پژوهش‌های خود داشته باشد. کلاسترام و فریدلاند<sup>۴</sup> (۲۰۱۰)، در ارزیابی میزان رعایت اصول اخلاقی به این نتیجه رسیدند که در دهه‌ی اخیر، مکانیزم‌ها و ارگان‌های مخصوصی جهت پیگیری و کنترل رعایت ملاحظات اخلاقی ایجاد شده‌اند که همین امر ناعدالتی در پژوهش‌ها را کاهش داده و باعث شده تا پژوهشگران با احساس امنیت بیشتر و انگیزه‌ی وافری در مسیر تولید و نشر علم قدم نهند. از سوی دیگر، میری‌پور و محبی (۱۳۹۰)، نقش اصول اخلاقی بر خلق دانش در سازمان را مورد توجه قرار داده و استفاده اخلاقی و درست از دانش تولید شده در سازمان را باعث ایجاد ارزش افزوده دانسته‌اند. به اعتقاد آنها، نفس تولید علم در سازمان کافی نیست، بلکه استفاده‌ی اخلاقی از آن است که به کارکنان این اجازه را می‌دهد تا با انتشار آن درون سازمان، باعث ارتقای سطح آگاهی همگی شده و از این جهت، عملکرد کل سازمان افزایش یابد.

براساس یافته‌های پژوهش، پیشنهادهایی در ادامه ارائه می‌گردد:

<sup>1</sup> Schopper

<sup>2</sup> Lahman

<sup>3</sup> Lawrence

<sup>4</sup> Kjellstrom & Fridlund

- ۱) از آن جایی که تسهیم دانش امتیاز کمتری نسبت به سایر متغیرها داشت، پیشنهاد می‌شود تا مربیان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان تهران با راهکارهای جدید، در بهبود وضعیت تسهیم دانش میان خود بکوشند. برای این کار، می‌توان شبکه‌ای مجازی با عضویت این افراد ایجاد نمود تا در آن جا با یکدیگر ارتباط برقرار نموده و تبادل نظر نمایند تا اطلاعات و دانش میان آنها با سهولت بیشتری تسهیم گردد.
- ۲) با توجه به امتیازات میانگین ابعاد اخلاق پژوهشی، پیشنهاد می‌گردد مربیان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان تهران به عدم ضرر رسانی به صاحبان اثر بیشتر توجه نمایند. می‌توان برای این کار، بخشنامه‌هایی جدید صادر نمود و استانداردهای مرتبط با این حوزه را برای آنها تشریح نمود.
- ۳) پیشنهاد می‌شود که برای مربیانی که در کارهای پژوهشی، عدالت در پژوهش را رعایت نموده‌اند، هدایای ویژه‌ای در نظر گرفته شود.
- ۴) بررسی سایر عوامل که می‌توانند بر تسهیم دانش در میان مربیان تاثیر گذارند از قبیل ویژگی‌های شخصیتی آنها، سبک‌های مدیریت آنان و ...
- ۵) بررسی رابطه اخلاق پژوهشی با تسهیم دانش در جوامع آماری دیگر نظیر مدارس، بانک‌ها، صنعت و ...

## منابع

۱. افتخارافضلی، مهدی. (۱۳۸۴). بررسی رعایت اخلاق در پژوهش در طر جهای تحقیقاتی مصوب دانشگاه علوم پزشکی کرمان. پایان‌نامه دکتری. دانشکده پزشکی مهندس افضلی پور دانشگاه علوم پزشکی کرمان.
۲. امامی، زهرا؛ مولوی، حسین و کلاتری، مهرداد. (۱۳۹۳). تحلیل مسیر اثر هوش معنوی و هوش اخلاقی بر خودشکوفایی و رضایت از زندگی در سالمندان شهر اصفهان، فصلنامه دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، شماره ۵۶، تابستان ۱۳۹۳، صص ۴-۱۳.
۳. آراسته، حمیدرضا؛ جاهد، حسینعلی. (۱۳۹۰). رعایت اخلاق در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی گزینه‌ای برای بهبود رفتار. فصلنامه نشاء علم، دوره اول، شماره ۲، صص ۳۱-۲۱.
۴. بهمین آبادی، سمیه؛ کلاته جعفرآبادی، طاهره و شعبانی ورکی، بختیار. (۱۳۹۳). رعایت اخلاق پژوهش در رساله‌های دکتری: مورد مطالعه: گروه علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد طی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۰. فصلنامه راهبرد فرهنگ، شماره ۲۵، بهار ۱۳۹۳، ص ۱۲۹.
۵. خنیفر، حسین؛ بردبار، حامد و فروغی قمی، فریبا. (۱۳۹۰). تبیین مولفه‌های اخلاقی و فرهنگی در پژوهش. دو فصلنامه معرفت اخلاقی، شماره ۶، بهار ۱۳۹۰، ص ۸۵.
۶. شوقی، بهزاد؛ فراهانی، فاطمه و سارجالویی، فرشاد. (۱۳۹۲). مبانی سازمان و مدیریت (عمومی و اسلامی). تهران: رازنهان.
۷. صدوقی، مجید. (۱۳۹۰). ضوابط اخلاقی در پژوهش‌های علوم رفتاری. فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی، شماره ۶۷، تابستان ۱۳۹۰، ص ۹۷.
۸. صیف، محمد حسن؛ ثابت مهارلوئی، عباس؛ رستگار، احمد و طالبی، سعید. (۱۳۹۴). عوامل موثر بر تمایل به تسهیم دانش در بین اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی شیراز. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، شماره ۷۵، صص ۴۱-۵۰.
۹. قاسم‌زاده، نازآفرین؛ نیک‌روان فرد، نازیلا؛ رحیمی‌راد، محمد حسین؛ موسوی پور، سارا و فرامرزی رزینی، فاطمه. (۱۳۹۲). میزان رعایت موازین اخلاق در پژوهش در طرحنامه‌های تحقیقاتی. مجله ایرانی اخلاق و تاریخ پزشکی، سال ششم، شماره ۲، خرداد ۱۳۹۲، صص ۶۷-۸۵.

۱۰. مصباحی، مریم و عباس زاده، عباس. (۱۳۹۲). ارائه‌ی یک الگوی سیستمی اخلاق حرفه‌ای در آموزش عالی (تحقیق کیفی)، فصلنامه اخلاق زیستی، سال سوم، شماره ۱۰، زمستان ۱۳۹۲، ص ۱۱.
۱۱. مهارتی، یعقوب، الهام برومند، هدیه لقمانی. (۱۳۹۳). اخلاق در فرایند پژوهش علمی. فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، شماره ۲۷، بهار ۱۳۹۳، ص ۱۲.
۱۲. میری‌پور، بهروز و محبی، پروین. (۱۳۹۰). بررسی نقش تسهیم دانش در کارآفرینی سازمانی. اولین کنفرانس دانشجویی کارآفرینی کشور.

13. Barachini, F. (2009). Cultural and social issues for knowledge sharing, *JOURNAL OF KNOWLEDGE MANAGEMENT*, 13(1) 98- 110.
14. Benatar, S. R., & Singer, P. A. (2000). A new look at international research ethics. *BMJ: British Medical Journal*, 321(7264), 824.
15. Hong, D., Suh, E., Koo, C. (2011). Developing strategies for overcoming barriers to knowledge sharing based on conversational knowledge management: A case study of a financial company, *Expert Systems with Applications*, 38, 14417–14427.
16. Kim, M. (2013). Cultivating Teachers' Morality and the Pedagogy of Emotional Rationality. *Australian Journal of Teacher Education*, 38(1).
17. King, P. M., & Mayhew, M. J. (2002). Moral judgement development in higher education: Insights from the Defining Issues Test. *Journal of moral education*, 31(3), 247-270.
18. Kjellstrom, S. & B. Fridlund. (2010). Status and Trends of Research Ethics in Swedish Nurses' Dissertations. *Nursing Ethics*. 17(3). 383–392.
19. Lahman, M. K. E.; M. R. Geist; K. L. Rodriguez; P. Graglia & K. K. DeRoche. (2011). Culturally Responsive Relational Reflexive Ethics in Research: the Three rs. *Qual Quant*. 45(6). 1397–1414.
20. Lawrence, D. J. (2011). Human Subject Research: Reporting Ethics Approval and Informed Consent in 3 Chiropractic Journals. *Journal of Manipulative and Physiological Therapeutics*. 34(9). 627-633.
21. Lee, J. N. (2001). The impact of knowledge sharing, organizational capability and partnership quality on IS outsourcing success. *Information & Management*, 38(5), 323-335.
22. Martinsons, M. G., Davison, R. M., & Huang, Q. (2017). Strategic knowledge management failures in small professional service firms in China. *International Journal of Information Management*, 37(4), 327-338.
23. Ritala, P., Olander, H., Michailova, S., & Husted, K. (2015). Knowledge sharing, knowledge leaking and relative innovation performance: *An empirical study*. *Tecnovation*, 35, 22-31.
24. Sârbu, L. V., Dimitrescu, M., & Lacroix, Y. (2015). The Importance of Knowing and Applying of the Professional Legislation and Ethics in the Management of Educational Institutions to Combat Corruption. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 180, 203-210.
25. Schopper, D., Dawson, A., Upshur, R., Ahmad, A., Jesani, A., Ravinetto, R., ... & Singh, J. (2015). Innovations in research ethics governance in humanitarian settings. *BMC medical ethics*, 16(1), 10.
26. Tanner, C., & Christen, M. (2014). Moral intelligence—A framework for understanding moral competences. In *Empirically Informed Ethics: Morality between Facts and Norms* (pp. 119-136). *Springer International Publishing*.

27. Thorogood, A., & Knoppers, B. M. (2017). Can research ethics committees enable clinical trial data sharing?. *Ethics, Medicine and Public Health*, 3(1), 56-63.
28. Unterhalter, E. (2015). Education in Southern Africa. *Comparative Education*, 51(2), 293-295.
29. Wen, Q., & Qiang, M. (2016). Coordination and Knowledge Sharing in Construction Project-Based Organization: A Longitudinal Structural Equation Model Analysis. *Automation in Construction*, 72, 309-320.
30. Zahra, S. A., Neubaum, D. O., Larrañeta, B. (2007).” Knowledge sharing and technological capabilities: The moderating role of family involvement”, *Journal of Business Research*, 60. 1070–1079.

# Relationship between Research Ethics and Knowledge Sharing in Coaches of Tehran's Intellectual Development Institute for Children and Adolescents

Seyede Nasrin Sajadian

*M.A Graduated in Department of Education Management, Faculty of Psychology and Social Sciences, Islamic Azad University Central Tehran Branch, Tehran, Iran (Corresponding Author)*

---

## Abstract

The present study was aimed to examine the relationship between research ethics and knowledge sharing in coaches of Tehran's Intellectual Development Institute for children and adolescents. Research method was practical in terms of objective; and in terms of data collection method, it was correlational-descriptive. The statistical population consisted of all coaches working in Tehran's Intellectual Development Institute for children and adolescents (2016-2017), from whom 152 individuals were selected as sample size, using a Morgan table and a stratified cluster random sampling method. Data collection method was based on two standard questionnaires: King and Mathew's research ethics questionnaire (2002); and Lee's knowledge sharing questionnaire (2001). In this research, in order to measure the reliability of questionnaires, Cronbach's alpha coefficient was used. It was greater than 0.7 for both questionnaires. In addition, using content validity, the validity of the questionnaires was calculated. Hence, validity was approved by experts. Analysis of the data obtained from the questionnaires was done using SPSS21 software, in two sections: descriptive and inferential (Pearson Correlation test and Multivariate Regression test). Findings showed that there is a positive and significant relationship between research ethics and its dimensions (respect for the rights of the owner of the research work, no disadvantages for the owners of works, and applying justice in research works) and knowledge sharing among coaches working in Tehran's Intellectual Development Institute for children and adolescents.

**Keywords:** research ethics, justice in research, sharing knowledge, coaches in Intellectual Development Institute for children and adolescents

---